

بواسطه آقا احمد

استانبول

جناب حسین آقا تبریزی علیه التحية و الثناء

ای بنده حقّ نامه شما از استانبول رسید با وجود عدم فرصت و نهایت محنت جواب مختصر مرقوم میگردد زیرا حوادث ایران مورث کدورتست و تأثر و حسرت بی حدّ و پایان کور به چشمی که گریان تو نیست مختصر اینست که آیات غیر باهره و حجج غیر بالغه که از عالم سیاسی خبر نداشتند با امرای بیفکر و محمد علیشاه غیر آگاه دست بهم دادند و آتش نزاع و جدال برافروختند و ایران را ویران کردند و مظهر و القینا بینهم العداوة و البغضاء گشتند با وجود آنکه در سنه سیصد و ده در بدایت انتشار رایحه انقلاب رساله‌ئی مرقوم شد و در سنه هزار و سیصد و یازده در بمبئی طبع شد و در جمیع جهان منتشر گشت و الآن هزاران نسخه در دست است بصریح عبارت در آن رساله نصیحت شد و جمیع این وقایع صریحاً مرقوم گردید که واقع خواهد گردید ولی ابداً این نصیحت مقبول نیفتاد و همچنین در بدایت انقلاب مکرر مرقوم شد که باید دولت و ملّت مانند شیر و شهد یکدیگر آمیخته گردند والاّ فلاح و نجاح محال است ایران ویران گردد و عاقبت منتهی بمداخله دول متجاوره شود لهذا باید احبای الهی بتمام همّت بکوشند که بین دولت و ملّت التیام حاصل شود و اگر عاجز مانند کناره گیرند ولی جمیع این نصایح مفید نیفتاد تا ایران ویران شد

باری بر سر مطلب خود رویم سؤال نموده بودید اگر قالب انسان از شعور محروم با وجود این چگونه امتثال اوامر روح میکند پس بدان روح در جمیع اعضا و ارکان انسان ساری و جاری و اراده اش نافذ و اعضا و اجزا آلت اوست و باین آلات تمشیت امور و ترتیب افعال مینماید اعضا آلاتند و روح فاعل نظیر آنست که کسی شمشیری بدست گیرد و جنگ و حرب کند شمشیر آلت است ولی مسخر ضارب است روح بچشم می بیند بگوش میشنود بزبان نطق میکند بواسطه جمیع اعضا تمشیت امور میدهد و جمیع اعضا بروح زنده است چگونه از روح بیخبر است ولی شعورش باندازه‌ئی و علیک البهاء الأبهی